

## شهید مرتضی آوینی

سال ۱۳۲۶ بود که پا بر خاکدان هستی نهاد و در کوچه پس کوچه‌های خاکی حرم حضرت عبدالعظیم بزرگ شد، اما هنوز مدت کوتاهی نگذشته بود که به دلیل شغل پدر به شهرهای زنجان، کرمان و تهران رفت. سفر او را پخته‌تر کرد. خیلی زود لطافت روحش نمایان شد و او با سرودن شعر، نوشتن داستان و مقاله این جوش و خروش را به صفحه کاغذ سپرد.

بعضی اوقات نیز نقاشی می‌کشید، تا رازهای درونش را برملا کند. دوره‌ی دبیرستان را که به پایان رساند در رشته معماری دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران پذیرفته شد و آن‌جا پلی شد تا سیدمرتضی بتواند آن‌چه را که دوست دارد بیاموزد. تا پایان دوره کارشناسی ارشد درس خواند اما بعدها گفت: "حقیر دارای فوق‌لیسانس معماری از دانشکده هنرهای زیبا هستم اما کاری را که اکنون انجام می‌دهم نباید به تحصیلاتم مربوط دانست."

حقیر هر چه آموخته‌ام از خارج دانشگاه است، بنده با یقین کامل می‌گویم که تخصص حقیقی در سایه تعهد اسلامی به دست می‌آید و لاغیر... " قبل از پیروزی انقلاب با سینما آشنا بود اما فقط در حوزه ادبیات فعالیت داشت، اما حضور امام (ره) و تحولات عظیم انقلاب او را نیز متحول ساخت تا آن‌جا که تمام نوشته‌هایش را در چند گونی ریخت و سوزاند. این‌جا بود که تصمیم گرفت دیگر چیزی از حدیث نفس ننویسد و خود را در عشق به الله فانی سازد. سال ۱۳۵۷ تجربه‌ای تازه را از زندگی آغاز کرد و با مریم امینی همراه و همسفر شد.

سال بعد (۱۳۵۸) در جهادسازندگی به فعالیت پرداخت، به روستاها رفت تا به قول خودش برای خدا بیل بزند. اما یک‌باره تصمیم گرفت تا زندگی هموطنانش را به تصویر بکشد و این‌گونه مظلومیت این ملت را به جهانیان نشان دهد. او از غائله گنبد، سیل خوزستان، ظلم خوانین (مستند خان‌گزیده‌ها) و غائله خسرو و ناصر قشقائی فیلم‌برداری کرد. پس از آن نیز در جبهه‌های نبرد حاضر شد از خرمشهر که هنوز سقوط نکرده بود شروع کرد و بعد مجموعه حقیقت را در آبادان ساخت.

سیدمرتضی همزمان با ساخت مستندهای جنگی از فعالیتهای مطبوعاتی نیز غافل نشد. اواخر سال ۱۳۶۲ مقالاتی برای ماهنامه "اعتصام" ارگان انجمن اسلامی نوشت و اندیشه‌هایش را در حوزه سیاسی، اعتقادی به روی صفحه کاغذ آورد و تا سال ۱۳۶۵ آنچه را که در دل و ذهن داشت در نشریات مختلف به رشته تحریر درآورد. بعد از پیروزی رزمندگان در عملیات والفجر ۸ و فتح فاو مجموعه زیبای روایت فتح کار خود را آغاز کرد

و تا پایان جنگ به صورت منظم از تلویزیون پخش شد. مرتضی آوینی که بیش از ۷۰ برنامه از دلاوری رزمندگان با این نام ساخت در مصاحبه‌ای عنوان کرد: «انگیزه درونی هنرمندانی که در واحد تلویزیونی جهادسازندگی جمع آمده بودند و آن‌ها را به جبهه‌های دفاع مقدس می‌کشاند نه وظایف و تعهد اداری-کارمندی نمی‌توانست در این عرصه منشاء فعل و اثر باشد».

گروه‌های فیلم‌برداری ما با همان انگیزه‌هایی که رزم‌آوران را به جبهه کشانده بود، کار می‌کردند... می‌دانید زنده‌ترین روزهای زندگی یک مرد آن روزهایی است که در مبارزه می‌گذراند و زندگی در تقابل با مرگ است که خودش را نشان می‌دهد. او در ماه محرم سال ۱۳۶۶ نگارش کتاب فتح خون را آغاز کرد، سال ۱۳۶۷ یک ترم در مجتمع دانشگاهی هنر تدریس کرد ولی چون مفاد مورد نظرش برای تدریس با طرح درس‌های دانشگاهی همخوانی نداشت از ادامه تدریس صرف نظر کرد.

اما مجموعه مباحثی که برای تدریس فراهم شده بود با سبک و شرح و تفسیر بیش‌تر در مقاله بلندی به نام "تأملاتی در ماهیت سینما" که در فصل‌نامه فارابی به چاپ رسید و بعد ادامه بحث را در سال ۱۳۶۸ در ماهنامه سوره منتشر کرد. سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ دوران اوج فعالیت مطبوعاتی آوینی است. آثار او در طی این دوره نیز موضوعات بسیار متنوعی را شامل می‌شود. اواخر سال ۱۳۷۰ مؤسسه فرهنگی "روایت فتح" به فرمان مقام معظم رهبری تأسیس شد تا به کار فیلم‌سازی مستند و سینمایی درباره دفاع مقدس بپردازد و تهیه مجموعه روایت فتح را که بعد از پذیرش قطع‌نامه رها شده بود، ادامه دهد. او نیز طی مدتی کمتر از یک سال کار تهیه ۶ برنامه از مجموعه ۱۰ قسمتی شهری در آسمان را به پایان رساند. پس از آن نیز در مناطق عملیاتی حضور یافت تا بار دیگر حماسه مردان دلیر عصر خمینی کبیر (ره) را یادآوری نماید. سیدمرتضی آوینی سرانجام مزد سال‌ها تلاشش را برای ثبت مظلومیت سربازان اسلام در روز بیستم فروردین ماه سال ۱۳۷۲ در قتلگاه فکه گرفت و در روز جمعه به آسمان بیکران شهادت بال گشود.